

مقدمه ناشر

سلام به دوستان خیلی خوب و خیلی سبز خودمون

امکان نداره تا حالا تجربه‌اش نکرده باشید ... چی رو؟

این‌که برای حفظ کردن و املاي لغت‌های زبان انگلیسی به نشونه‌های فارسی براشون بذارید ... اگر هم دارید می‌گید نه و ما حافظمون خیلی خوبه و ازین کارا نکردیم، به چند نمونه از کارای دوران خودمون رو می‌گم براتون تا با این روش پیشرفته آموزش لغت (که تو هیچ کتابی هم نیست) بیشتر آشنا بشید ...

| | |
|---------------------|-------------------------------|
| Communication Board | گامیون کی شن‌ها رو برد؟ |
| Refer | فر کردن مهرد مو |
| Comfortable | بفرمایید سر میز |
| Accessible | عکس سیبیل |
| Insecure | این سه ناپینا |
| Business | اشاره به بوزینه درگوش اصفهانی |
| Subsystem | صاهب دستگه |

خب دیگه به نظرم کامل آشنا شدید و فهمیدید که چه روش خوبیه ... ایده‌های بعدی با شما و ما هم میریم که به تشکر ویژه کنیم از مؤلف و ویراستاران و بچه‌های تیم تولید خیلی سبز که برای کتاب‌شدن این اثر از هیچ زحمتی دریغ نکردند.

مقدمه مؤلف

به نام آن که جان را فکرت آموخت

با توجه به اهمیت امتحان تشریحی، در این کتاب بخش‌های زیر را آورده‌ایم تا خیالتان را برای یک امتحان خوب راحت کنیم.

بخش اول واژگان:

۱. آموزش: ۱ واژگان پایه درس: در ابتدای هر درس، واژگانی که در سال‌های قبل یاد گرفته‌اید و در درس استفاده شده را آورده‌ایم.

۲ واژگان سطر به سطر: تمام واژگان جدید درس به ترتیب سطر به سطر آمده است؛ با این ویژگی خاص که برای هر واژه، مترادف، متضاد، نوع کلمه، مشابهت‌های معنایی و ظاهری، همنشین‌ها و یک جمله ارائه شده است.

۳ طبقه‌بندی لغات: برای یادگیری بهتر واژگان و پاسخ‌دادن به سؤال کلمه‌نامه‌ها، کلمات را از لحاظ معنایی و ... در چند جدول طبقه‌بندی کرده‌ایم.

۲. ایستگاه واژگان: در پایان آموزش واژگان، چند نمونه سؤال امتحانی آمده که به شما کمک می‌کند تا با چند نوع سؤال آشنا شوید و بتوانید خود را ارزیابی کنید.

بخش دوم گرامر:

۱. آموزش: تمام نکات گرامری درس با مثال‌های متنوع آموزش داده شده است.

۲. ایستگاه گرامر: در ایستگاه گرامر، با چند نمونه سؤال امتحانی از یادگیری گرامر اطمینان حاصل می‌کنید.

بخش سوم نگارش:

بخش نگارش نیز شامل آموزش و ایستگاه نگارش است.

مقدمه مؤلف

بخش چهارم نمونه سؤال‌های امتحانی:

در پایان هر درس، انواع سؤال‌های امتحانی آن درس را برایتان آورده‌ایم تا به خوبی برای یک امتحان عالی آماده شوید.

بخش ضمیمه:

از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. **کارگاه مهارت شنیداری (Listening):** در این قسمت، انواع سؤال‌های

شنیداری را با مثال بررسی کرده‌ایم و برای هر درس چند نمونه سؤال امتحانی با پاسخ تشریحی آورده‌ایم.

۲. **کارگاه درک مطلب (Reading):** در این قسمت، انواع سؤال‌های

امتحانی درک مطلب را بررسی کرده‌ایم و تکنیک پاسخ‌دادن به ری‌دینگ را با مثال آموزش داده‌ایم. برای هر درس، متن کامل ری‌دینگ کتاب درسی را با سؤال‌های متنوع آورده‌ایم.

۳. **آزمون نیم‌سال اول و دوم:** برای آشنایی با آزمون‌ها، آزمون‌های نیم‌سال اول و دوم با پاسخ تشریحی ارائه شده است.

با آرزوی سربلندی و موفقیت شما خوبان

hasanboland@gmail.com

فهرست مطالب

| | | |
|-----|----------------------|----------------------|
| ۹ | Understanding People | درس اول |
| ۵۱ | A Healthy Lifestyle | درس دوم |
| ۱۰۴ | Art and Culture | درس سوم |
| ۱۴۶ | | کارگاه مهارت شنیداری |
| ۱۵۴ | | کارگاه درک مطلب |
| ۱۸۲ | | آزمون‌ها |
| ۱۹۹ | | پاسخ‌نامه تشریحی |
| ۲۳۱ | | ضمائم |

Understanding People

درس ۱

بخش اول: واژگان

واژگان پایه درس

| | | | |
|----------------|---------------------------------|------------------|-----------------------------------|
| wish | آرزو، آرزوکردن / داشتن | laugh | ۱. خنده ۲. خندیدن |
| billion | میلیارد | luckily | خوشبختانه |
| bring | آوردن | media | رسانه‌ها |
| cultural | فرهنگی | neighbor | همسایه |
| endangered | در معرض خطر | notebook | دفتر (یادداشت) |
| eraser | پاک‌کن | nowadays | این روزها، امروزه |
| fall down | افتادن | over there | آن‌جا |
| fortunately | خوشبختانه | paragraph | پاراگراف |
| happen | اتفاق افتادن | pencil sharpener | مدادتراش |
| honestly | ۱. راستش (را بخواهی) ۲. صادقانه | protect | محافظت کردن از |
| interestingly | جالب این‌که | seek | جست‌وجوکردن |
| interview | مصاحبه کردن با | sing | آوازخواندن، خواندن |
| Just a moment. | یک لحظه صبر کن. | still | هنوز |
| knowledge | دانش | surf | [اینترنت] جست‌وجوکردن در، گشتن در |
| language | زبان | value | ارزش |



واژگان سطر به سطر

Title Page

understand (v) حرف‌های / زبان ... را فهمیدن، فهمیدن
(understand/ understood/ understood)

Do you understand Italian? آیا زبان ایتالیایی را می‌فهمی؟

written (adj) نوشتاری، کتبی
write (v) نوشتن

Some languages have no written form.

برخی از زبان‌ها شکل نوشتاری ندارند.

available (adj) موجود، در دسترس
be available to در دسترس ... بودن

These goods are available to members only.

این اجناس فقط برای اعضا موجود است.

die (v) ۱. از بین رفتن، نابودشدن ۲. مردن
فوت کردن

live زندگی کردن

One language dies about every fourteen days.

تقریباً هر چهارده روز یک زبان از بین می‌رود.

deaf (adj) ناشنوا
go deaf کمرشیدن، ناشنواشدن

Deaf people use sign language to communicate.

افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می‌کنند.

sign (n) نشانه، علامت، اشاره
a sign language زبان اشاره

Dark clouds are a sign of rain. ابرهای تیره، نشانه باران هستند.



communicate (v) ارتباط برقرار کردن

communication (n) ارتباط

We communicate by means of language. ما از طریق زبان ارتباط برقرار می‌کنیم.

Get Ready

parking lot (n) پارکینگ

lot قطعه زمین، زمین

The parking lot is next to the post office.

پارکینگ کنار (پنجره) اداره پست است.

around (adv, prep) ۱. این نزدیکی‌ها، همین دور و بر ۲. سرتاسر ۳. دور

Is there a bank around here? آیا این نزدیکی‌ها بانک وجود دارد؟

turn off (phr v) [تلویزیون و غیره] خاموش کردن

turn on روشن کردن

turn (v) چرخاندن، چرخیدن

She turned off the television. او تلویزیون را خاموش کرد.

keep off (phr v) وارد ... نشدن، دورماندن از

keep (v) ادامه‌دادن، نگاه‌داشتن

Keep off the grass! وارد چمن نشوید!

grass (n) ۱. چمن ۲. علف

Cows and sheep eat grass. گاوها و گوسفندان علف می‌خورند.

storybook (n) کتاب داستان

story (n) داستان

history (n) تاریخ

My sister enjoys reading storybooks.

فواهرم از خواندن کتاب‌های داستان لذت می‌برد.

foreigner (n) (فرد) خارجی

foreign (adj) خارجی

The foreigner can speak Russian. آن فرد خارجی می‌تواند روسی صحبت کند.



Conversation

besides (prep) علاوه بر، گذشته از

beside (prep) کناره، نزدیک، پهلوئی

I speak two languages besides French.

من علاوه بر فرانسوی به دو زبان صحبت می‌کنم.

mother tongue (n) زبان مادری

☉ **native language, first language** زبان مادری

tongue (n) زبان

Is English his mother tongue? آیا انگلیسی، زبان مادری اش است؟

experience (n, v) ۱. تجربه ۲. تجربه کردن

experiment (n, v) ۱. آزمایش ۲. آزمایش کردن

It was his first experience of flying. این اولین تجربه پروازش بود.

absolutely (adv) قطعاً، حتماً، کاملاً

☉ **surely, certainly** قطعاً، حتماً

It's absolutely impossible to work with all this noise.

کار کردن با این همه سروصدا قطعاً غیرممکن است.

fluently (adv) روان، به راحتی، سلیس

fluent (adj) روان، سلیس

Jim speaks German very fluently.

جیم زبان آلمانی را خیلی روان صحبت می‌کند.

honest (adj) صادق، راستگو

honestly (adv) صادقانه، راستش را بخواهی

to be honest (with you) راستش را بخواهی، راستش

His son is very honest by nature. پسرش ذاتاً خیلی صادق است.

point (n) نکته، مسئله

That's a very important point. آن نکته بسیار مهمی است.



IRIB (n) صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران

This famous translator works for IRIB.

این مترجم معروف برای صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.

host (v, n) ۱. میزبان ... بودن ۲. میزبان

1. مهمان ۲. مهمان بودن **guest**

How many times has Japan hosted the Olympics?

ژاپن چند بار میزبان بازی‌های المپیک بوده است؟

high school (n) دبیرستان

He is the principal of the high school. او مدیر دبیرستان است.

project (n) پروژه، طرح

I spent 5 months working on the project.

من ۵ ماه صرف کار کردن بر روی آن پروژه کردم.

Russian (n, adj) ۱. (زبان) روسی ۲. (مربوط به) روسیه

Russia (n) روسیه

He can speak Russian fluently. او می‌تواند روسی را روان صحبت کند.

begin (v) شروع کردن، آغاز کردن

(begin/ began/ begun)

1. شروع کردن **start**

تمام کردن؛ پایان دادن به **finish; end**

I began learning Arabic at school. من یادگیری عربی را در مدرسه شروع کردم.

institute (n) آموزشگاه، مؤسسه

a language institute آموزشگاه زبان

Sina learned English in a language institute.

سینا انگلیسی را در یک آموزشگاه زبان یاد گرفت.

Moscow (n) (شهر) مسکو

Moscow is the capital of Russia. مسکو پایتخت روسیه است.



republic (n) جمهوری

public (adj) عمومی، همگانی

The United States is a republic. ایالات متحده یک جمهوری است.

broadcasting (n) (رادیو و تلویزیون) پخش، پخش برنامه

They spent a lot of money on sports broadcasting.

آن‌ها پول زیادی را صرف پخش برنامه‌های ورزشی کردند.

early (adj, adv) زود

late دیر

as early as possible هر چه زودتر، در اسرع وقت

The postman comes early in the morning. پستی صبح زود می‌آید.

farming (n) کشاورزی

farm (n) مزرعه

She has four years' farming experience. او چهار سال تجربه کشاورزی دارد.

New Words and Expressions

region (n) منطقه، ناحیه

area منطقه، ناحیه

The plant grows in hot regions. این گیاه در مناطق گرم رشد می‌کند.

continent (n) قاره

There are seven continents on the earth. هفت قاره بر روی زمین وجود دارد.

exist (v) وجود داشتن

Does life exist on Mars? آیا حیات در مریخ وجود دارد؟

native (adj) ۱. [زبان] مادری ۲. بومی

foreign خارجی

a native speaker گویشور بومی

a native speaker of English انگلیسی‌زبان

native language زبان مادری

Maya's native language is Spanish. زبان مادری مایا اسپانیایی است.



range (v, n) ۱. متغیر بودن، نوسان داشتن ۲. دامنه، طیف
 a range of ... انواع مختلف ...
 range in price/ size از نظر قیمت / اندازه با هم فرق داشتن
 Prices range from about £100 to £500.
 قیمت‌ها از حدود ۱۰۰ تا ۵۰۰ پوند متغیر است.

popular (adj) پرطرفدار، محبوب
 Baseball is a popular sport in the U.S.
 بیس‌بال یک ورزش پرطرفدار در ایالات متحده است.

percent (n) درصد
 Thirty percent of the class failed the test.
 سی درصد کلاس در امتحان رد شدند

imagine (v) تصور کردن، فکر کردن که
 = think of ... را کردن، به فکر ... بودن
 Can you imagine life without electricity?
 آیا می‌توانید زندگی بدون برق را تصور کنید؟

space (n) ۱. فضا ۲. جا
 The astronauts will spend two weeks in space.
 فضانوردان دو هفته را در فضا خواهند گذراند.

meet (v) ۱. ملاقات کردن ۲. برآورده کردن، برآوردن

(meet/ met/ met)

meat (n) گوشت

meet the needs of ... نیازهای ... را برآورده کردن

Every language can meet the needs of its speakers.

هر زبان می‌تواند نیازهای گویشوران را برآورده کند.

by (prep) ۱. (بیانگر زمان) تا ۲. با، به وسیله ۳. نزدیک، کنار

Can you finish this work by four o'clock?

آیا می‌توانی تا ساعت چهار این کار را تمام کنی؟

**century** (n)

قرن

The twenty-first century began in 2001.

قرن بیست و یکم در سال ۲۰۰۱ آغاز شد.

explain (v)

توضیح دادن

explanation (n) توضیح

explain sth to sb

هیچ‌کس را برای کسی توضیح دادن

Tom explained his plan to me.

تام برنامه‌اش را برای من توضیح داد.

means (n)

وسیله، ابزار

by means of

از طریق، به وسیله

Language is a means of communication.

زبان یک وسیله ارتباطی است.

society (n)

جامعه

The family is the most important unit in society.

خانواده مهم‌ترین واحد جامعه است.

ability (n)

توانایی

the ability to do something

توانایی انجام دادن کاری

He has the ability to speak ten languages.

او توانایی صحبت کردن به ده زبان را دارد.

physical (adj)

جسمانی، جسمی، بدنی

mental ذهنی، روانی

Your son is in good physical health.

پسر شما در سلامت جسمی خوبی است.

mental (adj)

روانی، ذهنی

metal (n) فلز

physical and mental health

سلامت جسمانی و ذهنی

The boy's problems are mental, not physical.

مشکلات آن پسر ذهنی است نه جسمی.

vary (v) تفاوت داشتن، متفاوت بودن

☞ **be different; range** تفاوت بودن؛ متغیر بودن

vary from region to region از منطقه‌ای به منطقه‌ای فرق کردن

vary (range) from A to B از A تا B متفاوت بودن

vary (range) in price / size از نظر قیمت / اندازه ... با هم فرق داشتن

The boxes vary in size from small to large.

این جعبه‌ها از نظر اندازه، از کوچک تا بزرگ متفاوت هستند.

make up (phr v) تشکیل دادن

☞ **form** تشکیل دادن

Foreign workers make up 30% of his company.

کارگران خارجی ۳۰٪ شرکتش را تشکیل می‌دهند.

amount (n) مقدار، میزان

a large/small amount of مقدار زیادی / کمی ...

Your plan requires a large amount of money.

برنامه شما به مقدار زیادی پول نیاز دارد.

population (n) جمعیت

India has a population of more than one billion.

هندوستان بیش از یک میلیارد جمعیت دارد.

despite (prep) به رغم، با وجود

He climbed the mountain despite the bad weather.

او با وجود هوای بد از کوه بالا رفت.

notice (n, v) ۱. توجه ۲. تابلو، آگهی ۳. توجه کردن به

☞ **attention** توجه

take notice of توجه کردن به

I took no notice of his advice. هیچ توجهی به توصیه او نکردم.



طبقه‌بندی لغات

| Country | کشور | Nationality | ملیت | Language | زبان |
|----------|----------|-------------|------|----------------|------|
| Iran | ایران | Iranian | | Persian/Farsi | |
| Russia | روسیه | Russian | | Russian | |
| Canada | کانادا | Canadian | | English/French | |
| India | هندوستان | Indian | | Hindi | |
| Brazil | برزیل | Brazilian | | Portuguese | |
| Egypt | مصر | Egyptian | | Arabic | |
| Belgium | بلژیک | Belgian | | French | |
| Korea | کره | Korean | | Korean | |
| Sweden | سوئد | Swedish | | Swedish | |
| Spain | اسپانیا | Spanish | | Spanish | |
| Poland | لهستان | Polish | | Polish | |
| Turkey | ترکیه | Turkish | | Turkish | |
| China | چین | Chinese | | Chinese | |
| Japan | ژاپن | Japanese | | Japanese | |
| Portugal | پرتغال | Portuguese | | Portuguese | |
| Germany | آلمان | German | | German | |
| France | فرانسه | French | | French | |
| Greece | یونان | Greek | | Greek | |

| Continent | قاره |
|---------------|---------------|
| Asia | آسیا |
| Africa | آفریقا |
| Europe | اروپا |
| Oceania | اقیانوسیه |
| South America | آمریکای جنوبی |
| North America | آمریکای شمالی |

ایستگاه سؤال وازگان

- برای هر تعریف مشخص شده از ستون A یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است.)

A

1. a large group of people who live together
2. the number of people who live in a place

B

- a. communication
- b. society
- c. population

پاسخ

- 1 society (جامعه) گروه بزرگی از افراد که با یکدیگر زندگی می کنند
- 2 population (جمعیت) تعداد افرادی که در یک مکان زندگی می کنند

- جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

range - imagined - exchanged - communicate

1. My son closed his eyes and he was swimming in the sea.
2. We can now easily with people on the other side of the world.
3. The ages of the students of our class from fifteen to eighteen.

پاسخ

- 1 imagined پسرم چشم‌هایش را بست و تصور کرد که دارد در دریا شنا می کند.
- 2 communicate ما اکنون می توانیم به راحتی با مردم آن سوی دنیا ارتباط برقرار کنیم.
- 3 range سن دانش آموزان کلاس ما از پانزده تا هجده سال متفاوت است.



● جمله‌های زیر را با کلمه‌ای مناسب از دانش خود کامل کنید.

1. The first language that you learnt when you were a child is your mother t..... .

2. To be h..... with you, I didn't think his German was very good.

پاسخ

1 **tongue** اولین زبانی که وقتی کودک بودید یاد گرفتید زبان مادری شماست.
زبان مادری
mother tongue

2 **honest** راستش را خواهی، فکر نمی‌کردم زبان آلمانی‌اش خیلی خوب باشد.
راستش را خواهی، راستش ...
to be honest (with you)

بخش دوم: گرامر

اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش

● تفاوت اسم قابل شمارش و غیر قابل شمارش:

اسم قابل شمارش اسمی است که:

| | |
|---|--|
| one pen, two pens ... | ۱. می‌توان آن را شمرد و شکل مفرد و جمع دارد؛ |
| an apple, a car, four cars | ۲. قبل از آن a, an و عدد می‌آید؛ |
| There is a book. There are some books. | ۳. با فعل مفرد و جمع می‌آید؛ |
| How many trees ...? many people a few bottles few oranges some mice a lot of birds plenty of books several letters | ۴. بعد از صفات کمی زیر به صورت جمع می‌آید؛ چه تعداد ...? تعداد زیادی تعداد کمی تعداد کمی تعدادی تعداد زیادی تعداد زیادی چند، چندین |

اسم غیر قابل شمارش اسمی است که:

| | |
|--|---|
| a cup of tea | ۱. به تنهایی نمی‌توان شمرد بلکه با واحد شمارش |
| two cups of tea | شمرده می‌شود و همیشه به شکل مفرد به کار می‌رود؛ |
| water, air, rice, bread | ۲. قبل از آن a, an و عدد نمی‌آید؛ |
| There was some <u>water</u> . | ۳. با فعل مفرد به کار می‌رود؛ |
| A lot of <u>money</u> is on the desk. | |
| ۴. بعد از صفات کمی زیر به کار می‌رود؛ | |
| How much milk ...? | How much چه مقدار ...? |
| much sugar | much مقدار زیادی |
| a little coffee | a little مقدار کمی |
| little bread | little مقدار کمی |
| some information | some مقداری |
| a lot of food | a lot of / lots of مقدار زیادی |
| plenty of money | plenty of مقدار زیادی |



۱ بعد از a/an/one از اسامی قابل شمارش مفرد به همراه افعال مفرد استفاده می‌کنیم؛ ولی بعد از اعداد بیشتر از یک و صفات کمتی، از اسامی قابل شمارش جمع به همراه افعال جمع استفاده می‌کنیم. اسامی غیر قابل شمارش (نیز که همیشه به شکل مفرد است) را به همراه فعل مفرد می‌آوریم.
There **was** a **cup** of tea on the table.

یک فنجان پای بر روی میز وجود داشت.

There **were** some **cups** of tea on the table.

تعدادی فنجان پای بر روی میز وجود داشت.

There **was** some **tea** in the cup. مقدار کمی پای در فنجان وجود داشت.

۲ اگر در تست، بعد از a lot of, some, lots of و plenty of که هم اسم قابل شمارش و هم اسم غیر قابل شمارش می‌تواند بیاید، جای خالی داشتیم و از شما خواستند اسم قابل شمارش یا غیر قابل شمارش را انتخاب کنید، فقط کافی است به فعل‌های مفرد یا جمع در جمله دقت کنید. اگر فعل مفرد باشد، اسم غیر قابل شمارش مفرد را انتخاب می‌کنیم؛ ولی اگر فعل جمع باشد، اسم قابل شمارش جمع را انتخاب می‌کنیم.



There isn't a lot of on the other side of the highway. There are some but not very many.

- a) cars / traffic b) car / traffic
c) traffic / car d) traffic / cars

کزینه د در طرف دیگر بزرگراه ترافیک زیادی وجود ندارد. تعدادی اتومبیل وجود دارند اما خیلی زیاد نیستند.

فعل جمله اول، مفرد (isn't) است پس اسم غیر قابل شمارش (traffic) درست است. فعل جمله دوم، جمع (are) است پس اسم قابل شمارش جمع (cars) درست است.

توجه - تعدادی از اسامی غیر قابل شمارشی که تاکنون خوانده‌اید:

| | | | | | |
|--------------|-----------|-----------|------------|-------------|----------|
| tea | چای | rice | برنج | snow | برف |
| water | آب | bread | نان | rain | باران |
| juice | آب میوه | cheese | پنیر | air | هوا |
| orange juice | آب پرتقال | butter | کره | weather | آب و هوا |
| coffee | قهوه | sugar | شکر | information | اطلاعات |
| milk | شیر | honey | عسل | knowledge | دانش |
| blood | خون | advice | توصیه | news | خبر |
| soup | سوپ | money | پول | traffic | ترافیک |
| salt | نمک | research | تحقیق | homework | تکلیف |
| food | غذا | baggage | بار، چمدان | measles | سرفک |
| meat | گوشت | furniture | اثاثیه | behavior | رفتار |

گرامر

دقت کنید بعد از اسامی غیر قابل شمارش حتماً از فعل مفرد استفاده کنید. البته مفرد و جمع بودن فعل وقتی مطرح می‌شود که اسم مورد نظر فاعل فعل باشد و نه مفعول فعل.

My homework was easier than I expected.

تکالیفم آسان تر از آن چه انتظار داشتیم بود.

Measles is a dangerous disease for women.

سرفک یک بیماری خطرناک برای زنان است.

This news makes him happy. این خبر او را خوشحال می‌کند.

برخی از اسامی با توجه به معنی‌شان می‌توانند قابل شمارش یا غیر قابل شمارش باشند.

قابل شمارش

| | | | |
|---------|------------------|--|------------------------------------|
| time | بار، دفعه | How many times ...? | چند بار ...؟ |
| chicken | بوجه | I fed the chickens . | من به بوجه‌ها غذا دادم. |
| hair | یک یا چند تار مو | I found a hair in my soup. | من یک تار مو در سوپم پیدا کردم. |
| fruit | نوع خاصی میوه | I like summer fruits . | من میوه‌های تابستانی را دوست دارم. |
| paper | روزنامه | I bought a paper to read. | من یک روزنامه خریدم که بفوانم. |
| work | اثر، آثار | Several works of art were stolen. | چندین اثر هنری به سرقت رفتند. |
| glass | لیوان | I'd like a glass of milk, please. | من یک لیوان شیر می‌خواهم، لطفاً. |
| room | اتاق | Our house has five rooms . | خانه ما پنج اتاق دارد. |
| light | پراغ | There are two lights in my room. | دو پراغ در اتاقم وجود دارد. |



غیر قابل شمارش

| | | | |
|---------|------------------|---|---|
| time | زمان | How much time ...? | چه قدر زمان ... ؟ |
| chicken | مرغ (گوشت) | I ate a little chicken . | من کمی گوشت مرغ خوردم. |
| hair | کل موی سر | I don't have much hair . | من موی زیادی ندارم. |
| fruit | میوه در حالت کلی | You should eat fruit and vegetables. | تو باید میوه و سبزیجات بخوری. |
| paper | کاغذ | I need some paper to write on. | من تعدادی کاغذ نیاز دارم تا پر رویش بنویسم. |
| work | کار | I've got so much work to do. | من کار خیلی زیادی دارم که انجام بدهم. |
| glass | شیشه | There is some broken glass . | مقداری شیشه شکسته وجود دارد. |
| room | فضا، جا | There is enough room for us to sit. | جای کافی برای ما وجود دارد که بنشینیم. |
| light | نور | There is too much light . | نور خیلی زیادی وجود دارد. |

توجه - البته این کلمات در تست‌ها قابل تشخیص‌اند؛ اگر در گزینه‌ها صفات کمی داشته باشیم و اسم بعد از جای خالی به شکل جمع باشد، قابل شمارش است و اگر به شکل مفرد آمده باشد، غیر قابل شمارش است.



The museum has **works** by Picasso.

- a) much b) a little c) many d) a lot

گزینه c - این موزه آثار زیادی از پیکاسو دارد.

How **time** do we need to paint the walls?

- a) lot of b) a few c) many d) much

گزینه d - برای رنگ زدن دیوارها چه قدر زمان نیاز داریم؟



• شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

1. How many did you get up before 7 o'clock yesterday? (time)
2. There are lots of goats and more than two hundred on the farm. (sheep)

پاسخ

- 1 times دیروز چند بار قبل از ساعت ۷ بیدار شدید؟
 time به معنی «بار، دفعه» اسم قابل شمارش و بعد از How many، اسم قابل شمارش جمع (times) میاد.
- 2 sheep تعداد زیادی بز و بیش از دویست گوسفند در مزرعه وجود دارد.
 بعد از عدد بیش از یک (۲۰۰)، اسم جمع میاد. شکل اسم مفرد و جمع sheep یکی است.

• با هر گروه از کلمات زیر یک جمله بنویسید.

1. much/ juice/ was/ how/ bottle/ there/ orange/ in/ the/ ?
2. need/ a little/ eggs/ and/ cake/ we/ some/ milk/ to/ make/ a/ .

پاسخ

- How much orange juice was there in the bottle?
 چه قدر آب پرتقال داخل بطری وجود داشت؟
- We need some eggs and a little milk to make a cake.
 برای درست کردن کیک به تعدادی تخم مرغ و کمی شیر نیاز داریم.

بخش سوم: نگارش

جمله ساده (Simple Sentence)

- در زبان انگلیسی جمله امری حداقل از یک فعل تشکیل می شود.
 Don't shout.
 داد نزن.
 فعل



■ چنانچه فعل جمله ساده، لازم (ناگذر) باشد به مفعول نیاز نداریم.

The apple fell down.

سیب افتاد.

فعل فاعل

■ ولی اگر فعل جمله، متعدی (گذرا) باشد، بعد از فعل، حتماً باید مفعول بیاید.

The students are drinking milk.

دانش‌آموزان دارند شیر می‌خورند.

مفعول فعل فاعل

■ برخی افعال دو مفعول دارند. در این حالت، اول مفعول انسان بعد مفعول

غیرانسان می‌آید ولی اگر بخواهید اول مفعول غیر انسان و بعد مفعول

انسان را بیاورید، قبل از مفعول انسان، باید از حرف اضافه (for یا to)

استفاده کنید.

I bought Mike some pens.

من برای مایک تعدادی خودکار خریدم.

مفعول (غیرانسان) مفعول انسان

I bought some pens for Mike.

من تعدادی خودکار برای مایک خریدم.

ترتیب قرارگیری قیدها در جمله

■ قید زمان در آخر جمله می‌آید ولی قید زمان را می‌توان در ابتدای جمله

نیز آورد:

On weekends, she reads storybooks.

مفعول فعل فاعل قید زمان

در تعطیلات آخر هفته، او کتاب داستان می‌خواند.

■ قید حالت بعد از فعل اصلی می‌آید ولی اگر مفعول داشتیم، بعد از

مفعول می‌آید. دقت کنید قید می‌تواند قبل از فعل اصلی و برای تأکید

در ابتدای جمله نیز بیاید ولی هیچ وقت بین فعل و مفعول نمی‌آید:

The man picked up the knife slowly.

آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

قید حالت مفعول فعل

The man slowly picked up the knife.

آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

Slowly the man picked up the knife.

آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

She did her math homework carelessly at school last Monday. ۱

او دوشنبه گذشته در مدرسه تکالیف ریاضی خود را با بی‌دقتی انجام داد.

Should he teach French to him at his home tonight? ۲

آیا او باید امشب در خانه‌اش به او زبان فرانسه یاد بدهد؟

بخش چهارم: نمونه سوال‌های امتحانی

واژگان / Vocabulary

۱- کلمه‌ای که با سه گزینه دیگر هماهنگی ندارد را پیدا کنید.

1. a) region b) continent c) century d) country
2. a) Europe b) Russia
c) North America d) Oceania
3. a) laboratory b) language institute
c) bookstore d) mother tongue
4. a) Greek b) French c) Japanese d) Germany

۲- با توجه به تصاویر داده‌شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است.)



5.



6.



7.



8.

- a. Please be quiet.
- b. Today, less than 40 percent of people live in villages.
- c. Imagine you are traveling in space.
- d. Keep off the grass.
- e. We are living in the twenty-first century.



۳- با توجه به تصاویر داده‌شده، جملات زیر را کامل کنید.

9. Dictionary prices r_____ from \$5 to \$15.



10. Our teacher tried to explain the new word by means of S_____ language.



۴- برای هر کلمه مشخص‌شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A

11. He has the ability to speak ten languages.
12. Foreign workers make up 30% of his company.
13. The boxes vary in size from small to large.
14. He climbed the mountain despite the bad weather.

B

- a. a part of a country or of the world
- b. to form a thing, amount or number
- c. without taking any notice of
- d. the physical or mental power or skill to do something
- e. to be different from each other

۵- جملات زیر را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

exchanged - notice - despite - valuable – experience - besides

15. The friend's daughter took no of her uncle's advice.
16. Helen's aunt speaks two languages English.



17. My cousins decided to go out the bad weather.
18. Jane's teacher has a lot of in teaching English to children.
19. Tom and Mary more than 200 text messages last night.
20. Language is one of the most important m..... of communication.
21. A n..... speaker is a person who speaks a language as their first language.
22. Scientists say that by 2050, wind power can m..... the needs of the world.
23. A f..... is a person from another country.
24. There are seven on the earth, and Asia is the largest one.

۷- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

25. Good food and enough sleep are necessary to good health.
- a) immediately b) especially
c) absolutely d) luckily
26. No how busy I become, I'll always have time for my children.
- a) notice b) attention c) interest d) matter
27. According to recent research, dolphins use sound to with each other.
- a) communicate b) imagine
c) exchange d) experience



28. A few more driving lessons will help my cousin, Mike, feel more before he takes his test.

- a) confident b) honest c) physical d) valuable

29. Our uncle gave us a lot of advice when we first started the company.

- a) available b) valuable c) physical d) native

گرامر / Grammar

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

30. My mother bought a few and a little yesterday morning.

- a) carrot/ sugar b) carrots/ meat
c) oranges/ vegetable d) orange juice/ fruit

31. Karen: How photographs did your daughter take?
Henry: Just

- a) much/ few b) many/ little
c) many/ a few d) many/ a little

32. The foreigner spoke English, so we were able to communicate with him.

- a) a few b) few c) little d) a little

33. In the morning, my sister and I ate two of cake and drink a

- a) loaves/ juice b) slices/ bottle of juice
c) slices/ juice d) loaves/ bottle of juice

34. Milad Tower is feet tall and is the tallest tower in Iran.

- a) one thousand four hundreds twenty-seven
b) one thousand four hundred twenty-seven
c) one thousand four hundred and twenty and seven
d) a thousand four hundreds and twenty-seven



35. During the past three centuries, have disappeared from the surface of the Earth.

- a) two hundred language b) two hundreds languages
c) hundreds of languages d) hundred of language

۲- شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

36. My father bought the bicycle for eight (hundred/ dollar)

37. "How many do Javad and Sara have?" "They have only one" (child)

38. Would you like some? And how about some of cake? (chicken/ slice)

39. Karen is going to buy a few and a lot of for them. (potato/ rice)

۳- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله بنویسید.

40. she/ buy/ you/ a few/ milk/ a little/ bags/ of/ did/ sugar/ and/ ?

41. I/ a/ of/ Helen/ bread/ apple/ juice/ some/ bottle/ gave/ and/ loaves/ of/ to/ .

42. bought/ a lot of/ paper/ morning/ pieces/ Martin/ of/ yesterday/ .

43. many/ how/ slices/ cake/ yesterday/ did/ of/ you/ eat/ ?

۴- با توجه به تصاویر، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

44. How much bread were there on the table?



45. How much coffee did your father drink last night?





کارگاه
مهارت شنیداری
(Listening)

انواع سؤالی قسمت مهارت شنیداری به صورت زیره:

- ۱. پرسش‌های تولیدی • در این بخش، متن کوتاهی به صورت گفت‌وگو (مکالمه) یا متن خونده می‌شه و بعد از گوش دادن باید به سؤالی اون پاسخ بدین. این سؤالا هم به صورت چندگزینه‌ای، صحیح و غلط و سؤال‌هایی که با کلمه پرسشی شروع می‌شه است.

توجه - حواستون باشه که شما متن رو نمی‌بینین و سر جلسه امتحان فقط اونو می‌شنوین و باید با توجه به چیزی که می‌شنوین به سؤالا پاسخ بدین.



برای دانلود فایل‌های صوتی این بخش، QRcode مقابل را اسکن کنید

مثال از درس اول

دانش‌آموزان عزیز به فایل صوتی به دقت گوش دهید، سپس به سؤالات به شکل خواسته شده پاسخ دهید.

1. The boy wants to buy dictionary.

- a) an English
- b) a Persian
- c) an English-to-Persian

2. The second dictionary isn't more expensive than the first one.

- a) True
- b) False

3. How many words does the first dictionary have?

پاسخ

A: How much is this English-to-Persian dictionary?

قیمت این فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی چه قدر است؟

B: It is 30000 Tomans.

۳۰۰۰۰ تومان است.

A: Oh, that's very expensive.

اوه، آن خیلی گران است.

B: But it is a very good dictionary.

اما این یک فرهنگ لغت خیلی خوب است.

It has more than 15000 words.

بیش از ۱۵۰۰۰ کلمه دارد.



A: Do you have a smaller and cheaper one?

آیا یک فرهنگ لغت کوچک‌تر و ارزان‌تر دارید؟

How much is that?

قیمت آن چه قدر است؟

B: That's a good one, too. It is 25000 Tomans.

آن هم یک فرهنگ لغت خوب است. ۲۵۰۰۰ تومان است.

Do you want to take a look at it? آیا می‌خواهید نگاهی به آن بیندازید؟

A: Yes, please.

بله، لطفاً.

۱. **کژیمه** - آن پسر می‌خواهد یک فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی بخرد.

۲. True فرهنگ لغت دومی گران‌تر از اولی نیست.

۳ فرهنگ لغت اولی چند کلمه دارد؟

آن بیش از ۱۵۰۰۰ کلمه دارد. It has more than 15000 words.

۲. متن با جای خالی • در این بخش، متن کوتاهی به صورت گفت‌وگو

(مکالمه) یا متن خونده می‌شه و هنگام گوش‌دادن باید جاهای خالی متن

رو پر کنین.

توجه - در این قسمت شما متن ناقصی رو می‌بینین و باید با توجه به

چیزی که می‌شنوین، جاهای خالی متن رو پر کنین.

مسئله از درس اول

دانش‌آموزان عزیز به فایل صوتی به دقت گوش دهید، سپس جاهای

خالی را پر کنید.

An endangered language is a language that has very few speakers. Nowadays, many languages are losing their **(1)**...

speakers. When a language dies, the knowledge and **(2)**...

disappear with it. A lot of endangered languages are in Australia and South America. Some of them are in **(3)**... and Africa

The number of live languages of the world is around ...**(4)**..., and many of them may not exist in the future. Many researchers are now trying to ...**(5)**... endangered languages. This can save lots of information and cultural values of people all around the world.

پاسخ

یک زبان در معرض خطر زبانی است که تعداد بسیار کمی گویشور دارد. امروزه، زبان‌های زیادی دارند گویشوران بومی خود را از دست می‌دهند. وقتی یک زبان از بین می‌رود، دانش و فرهنگ (نیز) با آن از بین می‌رود. تعداد زیادی از زبان‌های در معرض خطر در استرالیا و آمریکای جنوبی هستند. برخی از آن‌ها در آسیا و آفریقا هستند. تعداد زبان‌های زنده دنیا حدود ۷۰۰۰ (زبان) است و ممکن است بسیاری از آن‌ها در آینده وجود نداشته باشند. در حال حاضر محققان زیادی دارند سعی می‌کنند از زبان‌های در معرض خطر محافظت کنند. این (کار) می‌تواند مقدار زیادی اطلاعات و ارزش‌های فرهنگی مردم سرتاسر جهان را نجات دهد.

۱ native ۲ culture ۳ Asia ۴ 7000 ۵ protect



نمونه سؤال‌های Listening درس دوم

۱- دانش‌آموزان عزیز به فایل صوتی به دقت گوش دهید، سپس به سؤالات به شکل خواسته‌شده پاسخ دهید.

1. Farideh

- a) has gained weight recently
- b) hasn't tried different diets
- c) has enough time to do exercise



کارگاہ
درک مطلب
(Reading)

در کارگاه درک مطلب، مطالب زیر را یاد می‌گیرید:

۱ دو تکنیک مهم برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های درک مطلب

۲ فرمت سؤال‌های درک مطلب

۲ انواع سؤال‌های درک مطلب

• ۱. دو تکنیک مهم برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های درک مطلب •

برای این که بتوانیم سریع و راحت متن رو بخونیم و به سؤالی درک مطلب پاسخ بدیم، باید از دو تکنیک scanning و skimming استفاده کنیم. هر دو تکنیک به معنی «نگاهی اجمالی انداختن» به متن به صورتی که در هر دو روش، چشمتون رو سریع از روی متن حرکت می‌دین. تفاوتشون در اینه که در skimming دنبال نمای کلی متن یا همون topic (عنوان) و ایده اصلی (main idea) متنیم. به عبارتی با این تکنیک می‌خوایم بدونیم کل متن در مورد چیه و چی می‌خواد بگه. (skimming رو در قسمت topic و main idea به طور کامل با مثال توضیح دادیم) ولی در scanning دنبال «کلمات کلیدی» موجود در سؤال هستیم تا بتونیم اونا رو سریع در متن پیدا کنیم و در کم‌ترین زمان ممکن به اونا پاسخ بدیم (تکنیک scanning در مثال قسمت بعدی ارائه شده است).

• ۲. فرمت سؤال‌های درک مطلب •

۱ True/ False: با توجه به متن، باید مشخص کنیم که جمله، درسته یا غلط.

۲ تست: با توجه به متن، باید گزینه‌ای که درسته رو انتخاب کنیم.

۳ Wh- question: در این قسمت باید به سؤالی که با کلمات پرسشی

شروع شده پاسخ کوتاه یا بلند بدین.

۴ Yes/No question: در این قسمت باید به سؤالی که با فعلای

کمکی شروع شده پاسخ بدین. حواستون باشه پاسخ این نوع سؤال با

Yes یا No شروع می‌شه.

۵ جای خالی: در این نوع سؤال باید با توجه به متن، جای خالی رو

کامل کنیم.



توجه - برای پاسخ‌دادن به تمام این ۵ نوع سؤال، کافیه مراحل زیر رو انجام بدین:

- ۱ سؤال رو با دقت بخونین تا بدونین که دقیقاً قراره در متن دنبال چی بگردین و زیر کلمه کلیدی موجود در سؤال خط بکشین.
- ۲ متن رو scan کنین تا بتونین اون کلمه کلیدی رو در متن پیدا کنین.
- ۲ بعد از پیدا کردن کلمه کلیدی در متن، برای پیدا کردن جواب، اون جمله (و در صورت نیاز جمله قبل و بعدش) رو با دقت بخونین.



متن زیر را بخوانید و به سؤالات داده‌شده هر قسمت پاسخ دهید.

(متن امتحانی نوبت دوم)

For many people, their teenage years – from 13 to 19 – are sometimes the best or worst years of their lives. Sometimes some teenagers feel that there are many differences between them and their parents. Teenagers often want to show that what they do is correct. They want to wear different clothes to show that they are free. In some countries, they can drive when they are only 16. Many young people work at part-time jobs after school and on weekends. So they can buy their own cars. After finishing high school, some of them live in their own apartments. Still teenagers must know that their parents have a lot to share with them: their life experiences, their failures, their successes. They should respect and care for their parents as parents are the best support in their lives.

درست یا نادرست؟
True or False?

1. According to the passage, teenagers are between thirteen and nineteen years old.

- a) T b) F

2. Teenagers at the age 16 can drive in all countries.

- a) T b) F

Choose the best answer. گزینه درست را انتخاب کنید.

3. The passage says that parents have a lot to share with

- a) people b) high schools
c) teenagers d) adults

Complete the following sentence. جمله زیر را کامل کنید.

4. Teenagers should respect their parents because they are the best for teenagers.

Answer the following question. به سؤال زیر پاسخ دهید.

5. Why do teenagers wear different clothes?

پاسخ

برای بسیاری از افراد، سال‌های نوجوانی آن‌ها - از ۱۳ تا ۱۹ سالگی - گاهی اوقات بهترین یا بدترین سال‌های زندگی آن‌ها است. گاهی اوقات برخی از نوجوانان احساس می‌کنند که تفاوت‌های زیادی بین آن‌ها و والدینشان وجود دارد. نوجوانان اغلب می‌خواهند نشان دهند که آن‌ها چه که انجام می‌دهند، درست است. آن‌ها می‌خواهند لباس‌های متفاوت بپوشند تا نشان دهند که آزاد هستند. در برخی از کشورها، وقتی که فقط ۱۶ سال دارند می‌توانند رانندگی کنند. بسیاری از جوانان بعد از مدرسه و تعطیلات آخر هفته در مشاغل پاره‌وقت کار می‌کنند. بنابراین آن‌ها می‌توانند اتومبیل‌های خودشان را بخرند. پس از اتمام دبیرستان، برخی از آن‌ها در آپارتمان‌های خودشان زندگی می‌کنند. با وجود این نوجوانان باید بدانند که والدینشان چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با آن‌ها دارند: تجربیات زندگی، شکست‌ها، موفقیت‌هایشان. آن‌ها باید به والدین خود احترام بگذارند و از آن‌ها مراقبت کنند، زیرا والدین بهترین حامی در زندگی آن‌ها هستند.



True ۱ طبق متن، نوجوانان بین سیزده و نوزده سال هستند.

برای پاسخ دادن، در ابتدا کلمه‌های کلیدی (thirteen و nineteen) رو در سؤال پیدا می‌کنیم و بعد برای پیدا کردن کلمه کلیدی در متن، متن رو scan می‌کنیم. جمله‌ای از متن که این کلمات رو داره می‌گه:

For many people, their teenage years – from 13 to 19 – are sometimes the best or worst years of their lives.

برای بسیاری از افراد، سال‌های نوجوانی آن‌ها - از ۱۳ تا ۱۹ سالگی - گاهی اوقات بهترین یا بدترین سال‌های زندگی آن‌ها است. با توجه به این جمله، سؤال یک درسته.

False ۲ نوجوانان در سن ۱۶ سالگی می‌توانند در همه کشورها رانندگی کنند.

برای پاسخ دادن، کلمه کلیدی موجود در سؤال (drive) رو با scan کردن در متن پیدا می‌کنیم. جمله‌ای از متن که این کلمه رو داره می‌گه:

In some countries, they can drive when they are only 16.

در برخی از کشورها، وقتی که فقط ۱۶ سال دارند می‌توانند رانندگی کنند. در این جمله گفته در برخی کشورها نه همه کشورها. بنابراین این جمله، غلطه.

۳ • گزینه C • این متن می‌گوید که والدین چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با نوجوانان دارند.

برای پاسخ دادن، کلمه کلیدی موجود در سؤال (share) رو در متن پیدا می‌کنیم. جمله‌ای از متن که این کلمه رو داره می‌گه:

Still teenagers must know that their parents have a lot to share with them.

با وجود این نوجوانان باید بدانند که والدینشان چیزهای زیادی برای به اشتراک گذاشتن با آن‌ها دارند.

با توجه به این جمله، کلمه teenagers درسته.

۴ support نوجوانان باید به والدینشان احترام بگذارند، زیرا آن‌ها بهترین حامی برای نوجوانان هستند.
 کلمه کلیدی موجود در سؤال (respect) رو با scan کردن در متن پیدا می‌کنیم.
 جمله‌ای از متن که این کلمه رو داره می‌گه:

They should respect and care for their parents as parents are the best support in their lives.

آن‌ها باید به والدین خود احترام بگذارند و از آن‌ها مراقبت کنند، زیرا والدین بهترین حامی در زندگی آن‌ها هستند.
 با توجه به این جمله، کلمه support درسته.

۵ چرا نوجوانان لباس‌های متفاوت می‌پوشند؟

کلمه‌های کلیدی موجود در سؤال (different clothes و wear) رو با scan کردن در متن پیدا می‌کنیم. جمله‌ای از متن که این کلمه‌ها رو داره می‌گه:
 They want to wear different clothes to show that they are free.
 آن‌ها می‌خواهند لباس‌های متفاوت بپوشند تا نشان دهند که آزاد هستند.
 با توجه به این جمله، پاسخ می‌شه:

They wear different clothes to show that they are free.

آن‌ها لباس‌های متفاوت می‌پوشند تا نشان دهند که آزاد هستند.

• ۳. انواع سؤال‌های درک مطلب •

۱ پیدا کردن مرجع ضمیر

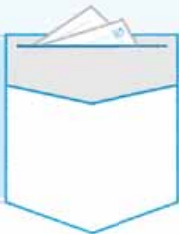
۲ معنی کلمه

۳ topic (موضوع یا عنوان متن) و main idea (ایده اصلی متن).

۱. پیدا کردن مرجع ضمیر

برای اجتناب از تکرار اسم در جمله و متن، از کلمات مرجع، مثل ضمیر استفاده می‌کنیم. گاهی در سؤال‌های درک مطلب از شما می‌خوان که مشخص کنین یک ضمیر به چه اسم، عبارت یا جمله‌ای در متن برمی‌گرده.

آزمون‌ها



آزمون (۱) نوبت اول

Listening

۱- دانش‌آموزان عزیز به فایل صوتی به دقت گوش دهید، سپس به سوالات به شکل خواسته‌شده پاسخ دهید. (۳ نمره)

1. Hamid

- a) hates playing volleyball
- b) is playing volleyball now
- c) likes playing volleyball later

2. Hamid was on a volleyball team last year.

- a) True
- b) False

3. Why has Hamid left the team?

۲- دانش‌آموزان عزیز به فایل صوتی به دقت گوش دهید، سپس جاهای خالی را پر کنید. (۵ نمره)

Last year, I traveled to a(4).... country. I was there the whole(5).... . In the first week of my trip, I went to a(6).... to buy groceries. I needed some cheese, some milk, some(7).... and some sugar. I also needed some fruit and potatoes. I was walking around the store for 1 hour and finally I(8).... everything I wanted and bought them all.

Vocabulary

۳- جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است.) (۱ نمره)



9.



10.



11.



12.

- a. Deaf people use sign language to communicate.
- b. I go out and jog every morning at 6.
- c. My brother measures himself every month.
- d. Asia is the largest continent of the world.
- e. Eating vegetables is an important part of a healthy diet.

۴- جاهای خالی را با کلمات داده شده پر کنید. (یک کلمه اضافی است.) (۲ نمره)

exists - signs - regions - improve - communicate

13. In winter, birds fly to Southern of the country.
14. Doing regular exercise can your general health.
15. Now that we live in different cities, we by e-mail.
16. There is no sign that life on other planets.



پاسخنامه تشریحی

- ۱- **گزیده c** century به معنی قرن ه ولی بقیه (منطقه، قاره، کشور) مکان‌هایی بر روی زمین هستند.
- ۲- **گزیده b** Russia به معنی روسیه اسم یه کشوره ولی بقیه (اروپا، آمریکا شمالی، اقیانوسیه) قاره‌ان.
- ۳- **گزیده d** mother tongue به معنی زبان مادریه ولی بقیه (آزمایشگاه، آموزشگاه زبان، کتاب فروشی) مکانن.
- ۴- **گزیده d** Germany به معنی آلمان اسم یه کشوره ولی بقیه (یونانی، فرانسوی، ژاپنی) زبان یا ملیت هستن.
- ۵- **(b)** امروزه کم‌تر از ۴۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند.
- ۶- **(e)** ما داریم در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.
- ۷- **(c)** تصور کنید دارید در فضا سفر می‌کنید.
- ۸- **(d)** وارد چمن نشوید.
- ۹- **range** قیمت‌های فرهنگ لغت از ۵ دلار تا ۱۵ دلار متغیر است.
- ۱۰- **sign** معلم ماسعی کرد کلمات جدید را از طریق زبان اشاره توضیح دهد.
- ۱۱- **(d)** او توانایی صحبت کردن به ده زبان را دارد. (قدرت جسمی یا روحی یا مهارت انجام دادن کاری)
- ۱۲- **(b)** کارگران خارجی ۳۰٪ شرکتش را تشکیل می‌دهند. (تشکیل دادن یک چیز، مقدار یا تعداد)
- ۱۳- **(e)** جعبه‌ها از نظر اندازه از کوچک تا بزرگ متفاوت است. (متفاوت بودن از یکدیگر)
- ۱۴- **(c)** او با وجود هوای بد از کوه بالا رفت. (بدون هیچ توجهی کردن به)
- ۱۵- **notice** دختر دوستم هیچ توجهی به نصیحت عمویش نکرد.
- ۱۶- **besides** عمه هلن به جز انگلیسی به دو زبان صحبت می‌کند.



- ۱۷- **despite** پسرعموهایم با وجود هوای بد تصمیم گرفتند بیرون بروند.
- ۱۸- **experience** معلم جین تجربه زیادی در آموزش زبان انگلیسی به کودکان دارد.
- ۱۹- **exchanged** تام و مری شب گذشته بیش از ۲۰۰ پیام متنی رد و بدل کردند.
- ۲۰- **means** زبان یکی از مهم‌ترین ابزار ارتباطی است.
- ۲۱- **native** یک گویشور بومی کسی است که زبانی را به عنوان زبان مادری اش صحبت می‌کند.
- ۲۲- **meet** دانشمندان می‌گویند تا سال ۲۰۵۰، نیروی باد می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.
- ۲۳- **foreigner** یک فرد خارجی شخصی از یک کشور دیگر است.
- ۲۴- **continents** هفت قاره بر روی زمین وجود دارد و آسیا بزرگ‌ترین قاره است.
- ۲۵- **کزیبه C** غذای خوب و خواب کافی قطعاً برای سلامتی ضروری است.
- ۲۶- **کزیبه D** مهم نیست که چه قدر سرم شلوغ است، همیشه برای فرزندانم وقت خواهم داشت.
- ۲۷- **کزیبه B** براساس تحقیقات اخیر، دلفین‌ها از صدا برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند.
- ۲۸- **کزیبه A** چند آموزش رانندگی دیگر به پسرعموی من، مایک، کمک خواهد کرد قبل از این که امتحانش را بدهد، اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشد.
- ۲۹- **کزیبه B** عموی ما وقتی شرکت را تأسیس کردیم به ما توصیه‌های ارزشمندی کرد.
- ۳۰- **کزیبه B** مادرم دیروز صبح تعداد کمی هویج و مقدار کمی گوشت خرید. بعد از **a few** قابل شمارش جمع (carrots, oranges) و بعد از **a little** غیر قابل شمارش (sugar, meat, fruit) می‌آید.

۱۵۶ - **to use** آیا می‌توانید نحوه استفاده از ماشین لباسشویی را به من نشان دهید؟

بعد از کلمه پرسشی (how)، از مصدر با **to**، استفاده می‌کنیم.

۱۵۷ - **to live** ژاپنی‌ها خوش‌شانس هستند که در جزایر دارای چشمه‌های آب گرم زندگی می‌کنند.

بعد از صفت (fortunate)، از مصدر با **to**، استفاده می‌کنیم.

He tried to stop smoking several times. - ۱۵۸

او چندین بار سعی کرد سیگار را ترک کند.

Her daughter gave up eating cakes to lose weight. - ۱۵۹

دخترش برای کاهش وزن از خوردن کیک دست کشید.

Martin advised him not to sell his old car. - ۱۶۰

مارتین به او توصیه کرد که ماشین قدیمی‌اش را نفروشد.

- ۱۶۱

My father will get wet, if he forgets to take his umbrella with him.

اگر پدرم فراموش کند چترش را با خودش بردارد، خیس خواهد شد.

پاسخ آزمون (۱) نوبت اول

A: Have you ever played on any of the school's sports teams?

آیا تاکنون در هیچ‌یک از تیم‌های ورزشی مدرسه بازی کرده‌ای؟

B: Yes, I have played volleyball for two years.

بله، من به مدت دو سال والیبال بازی کرده‌ام.

A: Are you still on the team? آیا هنوز در تیم هستی؟

B: No, I have left it. نه، آن را ترک کرده‌ام.

A: Why? چرا؟

B: I want to study more. Maybe I play volleyball in the university.

من می‌خواهم بیشتر درس بخوانم. شاید در دانشگاه والیبال بازی کنم.



۱- **گزینه c** - حمید دوست دارد بعداً والیبال بازی کند.

۲- **True** حمید سال گذشته در یک تیم والیبال بود.

۳- چرا حمید تیم را ترک کرده است؟

چون او می‌خواهد بیشتر درس بخواند. **Because he wants to study more.**

سال گذشته من به یک کشور خارجی سفر کردم. من تمام تابستان آن‌جا بودم. در هفته اول سفرم، من به یک فروشگاه رفتم تا خواربار بخرم. من مقداری پنیر، شیر، برنج و شکر نیاز داشتم. من همچنین مقداری میوه و تعدادی سیب‌زمینی نیاز داشتم. من به مدت یک ساعت داشتم در فروشگاه قدم می‌زدم و بالأخره همه چیزهایی را که می‌خواستم پیدا کردم و همه آن‌ها را خریدم.

۴- **foreign**

۵- **summer**

۶- **store**

۷- **rice**

۸- **found**

۹- **(d)** آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

۱۰- **(a)** افراد ناشنوا برای ارتباط برقرار کردن از زبان اشاره استفاده می‌کنند.

۱۱- **(b)** من هر روز صبح ساعت ۶ بیرون می‌روم و آهسته می‌دوم.

۱۲- **(e)** خوردن سبزیجات بخش مهمی از رژیم غذایی سالم است.

۱۳- **regions** در زمستان، پرنده‌ها به مناطق جنوبی کشور پرواز می‌کنند.

۱۴- **improve** انجام ورزش منظم می‌تواند سلامت عمومی شما را بهبود بخشد.

۱۵- **communicate** اکنون که ما در شهرهای مختلفی زندگی می‌کنیم،

از طریق ایمیل با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم.

۱۶- **exists** هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که حیات در سیاره‌های دیگر وجود

داشته باشد.

- ۱۷- **society** (جامعه) گروه بزرگی از مردم که با یکدیگر زندگی می‌کنند.
- ۱۸- **balanced** (متعادل) با تمام قسمت‌هایی که در مقادیر مناسب وجود دارد.
- ۱۹- **percent** بیش از ۸۰ درصد مردم به اینترنت دسترسی دارند.
- ۲۰- **hangs** مهدی جمعه‌ها با دوستانش می‌گردد.
- ۲۱- **گزینه d** «شما چه قدر پول دارید؟» «من ۵۰ دلار دارم.»
- بعد از **How much**، از اسم غیر قابل شمارش (money) و بعد از **How many**، از اسم قابل شمارش جمع (dollars)، استفاده کنید.
- گزینه «a» به صورت زیر درسته:

“How many dollars have you got?”

- ۲۲- **گزینه d** مادرم یک بطری شیر و تعداد کمی نان به هلن داد.
- از واحد شمارش **bottle** و **glass** برای **milk** استفاده کنید و بعد از **a few** اسم قابل شمارش جمع (loaves) میاد.
- ۲۳- **گزینه a** من و هلن هنوز برای رفتن به مهمانی تصمیم نگرفته‌ایم.
- تقریباً زمان **yet** با فعل منفی ماضی نقلی به کار می‌ره. عبارت «**Helen and I = we haven't decided**» درسته.
- ۲۴- **گزینه c** جان مدت زیادی بیمار بوده است. او از ماه اکتبر در بیمارستان است.
- عبارت «طول زمان + **for**» در این جا «**for a long time**» و «مبدأ زمان + **since**» در این جا «**since October**» با ماضی نقلی «**has been**» به کار می‌ره.
- ۲۵- **potatoes - bread** او دارد بیرون می‌رود. او قصد دارد تعدادی نان و تعداد کمی سیب‌زمینی بخرد.
- bread** غیر قابل شمارش و همیشه به صورت مفرد میاد. بعد از **a few**، اسم قابل شمارش جمع (potatoes) میاد.
- ۲۶- **has been** اخیراً آموزاده‌ام خیلی گرفتار بوده است.
- تقریباً زمان **recently**، با ماضی نقلی به کار می‌ره. عبارت «**my cousin = he/she has been**» درسته.